

رسوایی «حقوق بشر» غرب به‌روایت اسناد دیپلماتیک

حقوق بشر غرب ابزاری برای تحمیل هژمونی بیش نیست. غربی‌ها با شعار دفاع از انسانیت به دیگران درس اخلاق می‌دهند اما گزارش‌های مستند نشان می‌دهد در درون مرزهای خود، ناقضان اصلی کرامت، آزادی و عدالت انسانی هستند

امریکا و انگلیس به دلیل نقض فاحش آنچه خودشان حقوق بشر می‌نامند، محور گزارش‌دهی سالانه وزارت امور خارجه کشورمان درباره وضعیت حقوق بشر شده‌اند. به گفته سخنگوی دستگاه دیپلماسی، ارائه اسناد و شواهد برای نشان دادن اینکه ادعای حقوق بشری غرب صرفاً نمایی مناققانه و مزورانه است، وظیفه‌ای همگانی به شمار می‌رود. این موضع پاسخی حقوقی و اخلاقی به سال‌ها دوگانگی و دروغی است که در آن، قدرت‌های غربی از مفاهیم انسانی چون آزادی و عدالت برای سرکوب ملت‌ها بهره برده‌اند. اکنون با انتشار گزارشی جدید بار دیگر چهره واقعی مدعیان آزادی آشکار شده است که پشت لیخندهای دیپلماتیک و شعارهای انسانی، چکمه‌های خشونت، نژادپرستی، تحریم و استعمار را پنهان کرده‌اند.

■ ■ ■

هیچ واژه‌ای شاید به اندازه «حقوق بشر» در عصر حاضر، قربانی سوءاستفاده قدرت نشده است. غرب به‌ویژه آمریکا و انگلیس، این مفهوم را به عنوان ابزاری سیاسی برای پیشبرد منافع خود به کار می‌گیرند، به طوری که در ظاهر از آزادی و کرامت انسان سخن می‌گویند، اما در عمل، بیش از هر نظام دیگری در نقض همان اصولی که تبلیغ می‌کنند دست دارند. وقتی از حقوق بشر سخن می‌گویند، مقصودشان نه انسان و نه حق است، بلکه «قدرت» برای تحمیل هژمونی خودشان است و این رفتار تقریباً بعد از جنگ جهانی و پایه‌گذاری سازمان‌های به اصطلاح بین‌المللی آغاز شد و تا جایی پیش رفته‌اند که اگر کشوری با سیاست‌های شان همراه باشد، حتی بدترین رفتارها نادیده گرفته می‌شود اما اگر ملتی بخواهد مستقل بماند، ناگاهان در فهرست کذایی ناقضان حقوق بشر قرار می‌گیرد. این منطق دوگانه، سال‌هاست در تار و پود سیاست غربی‌ها تنیده شده است؛ منطقی که عدالت را با معیار منافع می‌سنجد. نمونه‌ها فراوان هستند. در خیابان‌های آمریکا، هر سال ده‌ها شهروند بی‌گناه به ضرب گلوله پلیس جان می‌دهند. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد قربانیان این خشونت اغلب از اقلیت‌های نژادی هستند. هنوز داغ قتل «جورج فلوید» بر وجدان بشریت سنگینی می‌کند و نمادی از نظامی است که تبعیض را در قلب قانون نهاده‌پنه کرده است. در جامعه‌ای که رنگ پوست می‌تواند مرز میان زندگی و مرگ باشد، سخن گفتن از حقوق بشر، بیشتر به تمسخر می‌ماند.

در انگلیس نیز وضعیت تفاوت چندانی ندارد. سیاست‌های سرکشیگرانه دولت لندن در قبال پناهجویان، نقض آشکار کنوانسیون‌های بین‌المللی است. هزاران پناهجو، از جمله زنان و کودکان، در اردوگاه‌های غیربهداشتی و غیرانسانی، بدون حق دادرسی، بدون دسترسی به خدمات درمانی و بدون امید نگهداری می‌شوند. هم‌زمان رسانه‌های رسمی سرزمین تحت سلطه پادشاهی از جمله بی‌بی‌سی با

سانسور و سوگیری سیاسی، روایتی واقعی از بحران انسانی را پنهان می‌کنند. اختلافات داخلی کارکنان بی‌بی‌سی درباره نحوه پوشش جنگ غزه نیز برده‌ای دیگر از این ریاکاری رسانه‌ای است که حقیقت را قربانی منافع سیاسی می‌کند. در حوزه بین‌المللی، رفتار آمریکا و انگلیس چهره‌ای عریان‌تر از نقض حقوق بشر را نشان می‌دهد. تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه که بدون مجوز

■ ■ ■

■ ■ ■

شورای امنیت اعمال می‌شوند، در واقع نوعی «جنگ نرم علیه مردم» هستند. این تحریم‌ها، بیمار را از دارو، کودک را از شیر خشک و جامعه را از امید تهی می‌کنند. بر اساس معیارهای حقوق بین‌الملل، چنین اقداماتی مصداق مجازات جمعی و نقض کنوانسیون

ژنو است، اما غرب، در برابر رنج میلیون‌ها انسان، سکوت می‌کند.

جنگ‌های بی‌پایان غرب آسیا نیز محصول همان سیاست‌هایی است که در پوشش «حقوق بشر» آغاز شدند. از عراق تا افغانستان و از لیبی تا سوریه، هزاران غیرنظامی قربانی حملاتی شدند که با نام آزادی صورت گرفت. شعارها شیرین اما نتیجه، ویرانی و مرگ بود. همان دولت‌هایی که از کرامت انسان سخن می‌گفتند، بمب‌های خود را بر سر شهرها فرود آوردند و بعد در برابر تصاویر کودکان بی‌جان، سکوت اختیار کردند.

وندی شرمن از مأموران خونخوار آمریکا در بخشی از آنچه خاطراتش! عنوان شده است، با تعصب فمینیستی مدعی می‌شود: «مادلین همچنین مراقب بود تا نشان دهد اراده مبارزه را دارد. او که به هیچ وجه جنگ‌طلب نبود، می‌دانست که تصور



عمومی از زنان این است که آنها در به‌ کارگیری زور مرد هستند...» (ص ۱۵۰) ادعای شرمن که «او به هیچ وجه جنگ‌طلب نبود» در حالی است

مادلین البرایت، سفیر وقت آمریکا در سازمان ملل در مصاحبه‌ای با سسی‌بی‌اس گفته بود: «جان دادن

نیم‌میلیون کودک عراقی به خاطر سوءتغذیه در پی تحریم‌های آمریکا را زرشش را دارد».

بعدها سسی‌بی‌اس هیچ وقت آن نوار را پخش نکرد و مجری دربار‌ش حرف نزد. مادلین البرایت از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ سکندار وزارت خارجه رژیم آمریکا بود. تناقض غرب در رفتار با رژیم‌صهیونیستی آشکارتر از همیشه است. در حالی که جهان، از نوار غزه صدای ناله و استغانه کودکان را می‌شنود، دولت‌های آمریکا و انگلیس از ادامه ارسال سلاح به سرزمین اشغال‌شده فلسطین از سوی وحشی‌ترین انسان‌نماهای گرگ‌صفت دفاع می‌کنند. آنها در برابر جنایتی آشکار، با بی‌رحمی تمام به حمایت سیاسی و تسلیحاتی از رژیم‌ی می‌پردازند که خانه‌ها را بر سر مردم خود ویران می‌کند. در قلموس آنان، حقوق بشر را آنجا محترم است که با منافع استراتژیک‌شان تعارض نداشته باشد.

این دوگانگی در عرصه رسانه‌ای نیز تکرار می‌شود. شبکه‌های بزرگ خبری غرب، خود را «آیینه حقیقت» می‌خوانند، اما در واقع، ابزار شکل‌دهی به افکار عمومی هستند. در جنگ غزه، ده‌ها خبرنگار جان باختند، اما تیت‌ر نخست رسانه‌های غربی، روایت تحریف‌شده از واقعیت بود. در چنین فضایی، آزادی بیان به افسانه بدل شده است.

از زاویه اقتصادی نیز غرب تصویری ضدانسانی ارائه می‌دهد. شرکت‌های چندملیتی آمریکایی و انگلیسی، با بهره‌کشی از کارگران در کشورهای فقیر، میلیاردها دلار سود به جیب می‌زنند. کودکان آفریقایی در معادن کبالت، جان خود را برای تولید باتری تلفن‌های همراهی می‌گذارند که در لندن و نیویورک با شعار «زندگی سبز» فروخته می‌شوند. این تناقض تلخ، جوهر تمدن غرب را یعنی ظاهری مدرن و لباسی انسانی، اما باطنی خشن و بی‌رحم عیان می‌کند، حتی در قلب تمدن غرب نیز فقر و نابرابری به شکلی تکان‌دهنده در حال گسترش است. میلیون‌ها نفر در آمریکا و انگلیس در فقر مطلق زندگی می‌کنند، در حالی که شرکت‌های تسلیحاتی و مالیاتی، رکورد سودهای میلیاردی را می‌شکنند. در زمستان‌های لندن، بی‌خانمان‌ها در ایستگاه‌های مترو شب را به صبح می‌رسانند و در لس‌آنجلس، جادر تشنیتی به معضل اجتماعی بدل شده است. اگر معیار حقوق بشر، حق برخورداری از زندگی شرافتمندانه است، پس تمدن غرب در آزمون انسانیت شکست خورده است. از منظر حقوق بین‌الملل، بسیاری از اقدامات این کشورها-از تحریم تا مداخله نظامی- نقض آشکار اصول منشور ملل متحد و اصول بشرستانه‌اند، با این حال

چون خود عضو دائم شورای امنیت هستند، هرگز پاسخگو نمی‌شوند. این همان ساختار ناعادلانه‌ای است که جهان را به دو طبقه تقسیم کرده است و حاکمان ممون از پاسخگویی و ملت‌ها محکوم به سکوت شده‌اند. حقوق بشر در نگاه غربی، ابزاری برای تحمیل هژمونی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است و هر جا که منافعی ایجاد کند، مفهوم حقوق بشر را به سلاح تبدیل می‌کند و هر جا که به زیانش باشد، آن را از حافظه جمعی می‌زایند. این بهره‌برداری ابزاری، بزرگ‌ترین خیانت به فلسفه حقوق بشر است.

با وجود همه این ریاکاری‌ها، جهان در حال تغییر است. بیادری ملت‌ها، رشد آگاهی عمومی سبب شده است این نقاب‌های یکی‌یکی فروافتند. امروز دیگر دشوار است که با چند واژه زیبا، واقعیت را پنهان کنند. حقیقت، سرانجام راه خود را به وجدان جهانی باز کرده است.

آنچه باقی می‌ماند، این پرسش است که آیا غرب، با این همه ادعا، آماده است روزی به عدالت پاسخ دهد؟ پاسخ شاید هنوز در خاموشی تاریخ پنهان باشد، اما آثار بیداری آشکار آن، انسان معاصر می‌داند که کرامت، در عمل سنجیده می‌شود و تمدنی که انسان را ابزار می‌بیند، دیر یا زود فرو می‌ریزد.

■ ■ ■

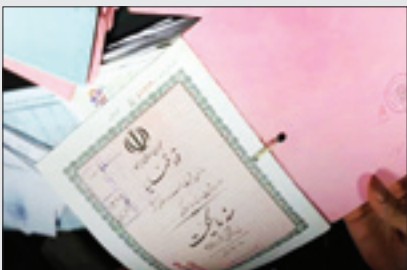
با توجه به داده‌ها، شوراها توانسته‌اند بخشی از پرونده‌ها را از دادگاه‌ها خارج کنند، زندانیان آزاد شوند و پرونده‌های خانوادگی و ملکی با مصالحه خاتمه یابند اما این موفقیت‌ها کافی نیست

چراکه بدون اصلاح ساختار، تقویت آموزش و گسترش زیرساخت‌ها، بسیاری از اختلافات همچنان به شکل طولانی و هزینه‌بر به دادگاه‌ها ارجاع خواهد شد.

اهمیت آموزش تخصصی برای اعضا غیرقابل چشم‌پوشی است. درک دقیق قوانین، مهارت‌های میانجی‌گری و روان‌شناسی انسانی، شرط لازم برای موفقیت در حل اختلافات است. کمبود آموزش باعث می‌شود میانجی‌گری به شکلی سطحی انجام شود و رضایت طرفین جلب نشود.

با وجود مشکلات، شوراها توانسته‌اند اعتماد نسبی مردم را جلب کنند. این اعتماد، اگر به شکل مستمر و با شفافیت داده‌ها تقویت شود، می‌تواند پایه‌گذار فرهنگی شود که در آن حل اختلاف بدون مراجعه به دادگاه به رفتار عادی و پذیرفته‌شده تبدیل شود.

در نهایت، شورا‌های حل اختلاف ابزار مهمی برای کاهش فشار قضایی و اجتماعی هستند اما کارآمدی واقعی آنها بدون تقویت نیروی انسانی، توسعه دفاتر، آموزش تخصصی و شفافیت داده‌ها محدود خواهد بود. مطالبه از قوه قضائیه برای تخصیص بودجه، ارتقای مهارت‌ها و نظارت مؤثر، تنها راهی است که می‌تواند عدالت اجتماعی و اقتصادی را به شکل واقعی تضمین کند.



جزئیات تعویض سند مالکیت دفتر چهای

مالکیت املاک یکی از مهم‌ترین حقوق افراد در زندگی روزمره به شمار می‌آید و داشتن سند مالکیت معتبر می‌تواند تضمینی برای امنیت حقوقی مالک باشد. در کشورمان، اسناد مالکیت قدیمی به شکل دفتر چهای صادر شده‌اند طی سال‌های اخیر، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به دنبال تبدیل این اسناد به سند مالکیت حدنگار (تک‌برگ) بوده است. این تبدیل روند نقل و انتقال ملک را تسهیل و از بروز مشکلات حقوقی در آینده جلوگیری می‌کند، بنابراین اهمیت زیادی برای مالکان دارد.

طبق گفته مسئولان، عدم اقدام به تعویض سند مالکیت دفترچهای با توجه به پایان مهلت پنج‌ساله قانون جامع حدنگار می‌تواند مشکلات جدی برای مالک ایجاد کند، زیرا در این صورت سازمان ثبت قادر به ارائه خدمات ثبتی به این اسناد نخواهد بود. خدماتی مانند پاسخ به استعلام‌های الکترونیکی که هنگام فروش، رهن یا وثیقه‌گذاری ملک از طریق دفاتر اسناد رسمی و سامانه‌های ثبت انجام می‌شود، در صورت دفترچهای بودن سند قابل ارائه نخواهند بود، بنابراین مالک در زمان انجام هر گونه انتقال یا انجام امور ثبتی، با مشکل مواجه خواهد شد.

یکی از نکات مهمی که به آن اشاره شده، هزینه‌های مربوط به تعویض سند مالکیت است. هزینه پستی که بین اداره ثبت و مالکان وجود دارد، شامل ارسال درخواست در دفترخانه به واحد ثبتی و همچنین ارسال سند مالکیت صادره از واحد ثبتی به نشانی مالک می‌شود. علاوه بر این، دفاتر اسناد رسمی نیز حق الزحمه قانونی اندک برای انجام امور مربوط دریافت می‌کنند. این حق الزحمه مطابق تعرفه‌های مصوب قانونی تعیین شده و مبلغ آن کم است، بنابراین تعویض سند هیچ بار مالی سنگینی برای مالک ایجاد نخواهد کرد.

برای مردم مهم است که بدانند سند مالکیت دفترچهای دارای محدودیت‌های حقوقی است. این سند‌ها در سال‌های گذشته به شکل دفترچه صادر شده‌اند، اما امروزه برای انجام هر گونه معامله یا امور ثبتی، سند تک‌برگ حدنگار اعتبار و کارایی بیشتری دارد. سند حدنگار با سیستم الکترونیکی سازمان ثبت همخوانی دارد و امکان استعلام آنلاین را فراهم می‌کند، بنابراین در زمان خرید، فروش یا رهن ملک مالک از مشکلات حقوقی جلوگیری خواهد کرد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در هفت ماهه سال جاری اعلام کرد است بیش از یک میلیون ۳۰۰ هزار سند مالکیت دفترچهای با در خواست مالکان یا به صورت غیر حضوری به سند حدنگار و پیش‌سند تبدیل شده‌اند. این امر نشان می‌دهد روند تعویض سند به شکل گسترده در حال انجام است و مردم برای معاملات، پاسخ به مشکلات حقوقی، باید سریع‌تر نسبت به این کار اقدام کنند.

از منظر حقوقی، تبدیل سند دفترچهای به سند حدنگار دارای مزایای فراوان است. یکی از این مزایا، تسهیل نقل و انتقال ملک است. هنگامی که سند مالکیت حدنگار باشد، مالک می‌تواند ملک خود را با سهولت بیشتری بفروشد، رهن کند یا به عنوان وثیقه بانکی ارائه دهد. در مقابل، سند دفترچهای محدودیت‌هایی در این زمینه دارد و دفاتر اسناد رسمی ممکن است در هنگام ثبت معاملات، پاسخ به استعلام‌ها را به دلیل قدیمی بودن سند، امکانپذیر ندانند.

نکته مهم دیگری که بر آن تأکید شده، پایان مهلت پنج‌ساله قانونی برای تعویض سند مالکیت دفترچهای است. قانون جامع حدنگار برای تبدیل اسناد قدیمی به تک‌برگ، مهلتی تعیین کرده است که در صورت عدم اقدام مالک، سازمان ثبت دیگر هیچ خدمات ثبتی به این اسناد ارائه نخواهد داد، بنابراین برای جلوگیری از مشکلات بعدی، تعویض سند با مقدم موقع انجام شود.

از لحاظ عملی، مالک برای تبدیل سند مالکیت دفترچهای خود به سند حدنگار باید مراحل مشخصی را دنبال کند.

ابتدا درخواست تعویض سند را به دفترخانه رسمی ارائه دهد، سپس دفترخانه این درخواست را به واحد ثبتی مربوط ارسال می‌کند و پس از بررسی و صدور سند حدنگار، سند جدید به نشانی مالک پست خواهد شد.

این روند قانونی و شفاف است و مالک می‌تواند از صحت آن اطمینان حاصل کند.

یکی دیگر از نکات مهمی که در این زمینه باید دانست، حق الزحمه دفاتر اسناد رسمی است. دفاتر اسناد رسمی تنها مبلغی اندک و قانونی برای انجام امور مربوط به تعویض سند دریافت می‌کنند و مبلغ آن مطابق تعرفه‌های مصوب تعیین شده است، بنابراین مردم نباید نگران هزینه‌های اضافی باشند و می‌توانند با اطمینان فرایند تعویض سند را انجام دهند.

از نظر امنیت حقوقی، سند مالکیت حدنگار به صورت تک‌برگ صادر می‌شود و با سامانه‌های الکترونیکی سازمان ثبت همخوانی دارد، بنابراین هر گونه تغییر مالکیت، رهن یا فروش ملک به صورت آنلاین و قانونی قابل پیگیری خواهد بود. در مقابل، سند دفترچهای محدودیت‌هایی در ثبت و استعلام دارد و مالک ممکن است در معاملات خود با مشکلات قانونی مواجه شود.

مردم برای جلوگیری از مشکلات حقوقی و تسهیل امور ملکی، هر چه سریع‌تر نسبت به تعویض سند مالکیت دفترچهای خود اقدام کنند. این اقدام روند نقل و انتقال ملک را ساده می‌کند و مالک را از بروز اختلافات حقوقی و مشکلات ثبتی در آینده محافظت خواهد کرد.

در نهایت، می‌توان گفت که تعویض سند مالکیت دفترچهای به حدنگار یک فرایند قانونی، شفاف و مقرون به صرفه است که مزایای حقوقی و عملی فراوانی برای مالک به همراه دارد. با توجه به پایان مهلت قانونی و اهمیت استعلام‌های ثبتی، تعویض سند یک ضرورت برای همه مالکان محسوب می‌شود و اقدامی هوشمندانه برای حفظ حقوق مالکیت است.